



گفت‌وگو با دکتر خدیجه بوذرجمهری دانشیار جغرافیا دانشگاه فردوسی که به دنبال ثبت یک روز برای زنان روستاست

جغرافیای زندگی را با فراز و نشیب آن در آغوش گرفتم



نگاهی به مشکلات
جامعه رسانه کشور
و نادیده گرفتن حقوق خبرنگاران

مترجم
دردها

تابستان کرونایی،
مادران خسته
و دانش‌آموزان
بی‌برنامه



شهربانو

۲۳ شنبه
۷ تیر ۱۴۰۰
۱۷ دی‌ال‌مهده ۱۴۴۴ شماره ۳۴۲۰

(۲)



دکتر سمانه پورمحمد
پژوهشگر ارتباطات و رسانه

(فروغ)

ضرورت یادگیری سواد رسانه‌ای در زنان

فناوری‌های ارتباطی را تشکیل می‌دهند که رشد روزافزون و گسترشی چشمگیر دارند. زنان یکی از اثرپذیرترین گروه‌های کاربر رسانه‌های نوین هستند. هویت زنان در رویارویی با پیام‌های نامحدود رسانه‌های نوین دچار چندگانگی و در نتیجه چالش می‌شود. به عبارت دیگر، زن در عصر فناوری‌های نوین ارتباطی، در میان همه تعاریف، تصاویر، انتظارات و وظایف، سرگردان می‌شود. سواد رسانه‌ای در حوزه مدیریت مصرف فردی و هم‌مدیریت و نظارت بر مصرف رسانه‌ای دیگر افراد خانواده مهم‌ترین راه حل چالش‌های به وجود آمده برای زنان در خانواده است زیرا با تکیه بر این دانش و آگاهی، این مهارت را پیدا می‌کنند که از فرصت‌ها حداکثر بهره را ببرند، آسیب‌ها را به حداقل برسانند و نقش‌های خود را باز تعریف کنند.

دکتر یونس شکرخواه در تعریف سواد رسانه‌ای (Media Literacy) می‌گوید: سواد رسانه‌ای عبارت است از یک نوع درک متکی بر مهارت که براساس آن می‌توان انواع رسانه‌ها و انواع تولیدات آن‌ها را شناخت و از یکدیگر تفکیک و شناسایی کرد.

این درک به چه کاری می‌آید؟ به زبان ساده، سواد رسانه‌ای مثل یک رژیم غذایی است که هوشمندانه مراقب است چه موادی مناسب هستند و چه موادی مضر، چه چیزی را باید مصرف کرد و چه چیزی رانه، یا اینکه میزان مصرف هر ماده بر چه مبنایی باید استوار باشد. سواد رسانه‌ای می‌تواند به زنان یاد بدهد هر چیزی را نخوانند و هر مطلب منتشرشده‌ای را قبول نکنند. به دیگر سخن، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند از سفره رسانه‌ها به گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شویم.

سواد رسانه‌ای رویکردی آموزشی در قرن بیست و یکم محسوب می‌شود زیرا سواد رسانه‌ای درکی را از نقش رسانه در اجتماع شکل می‌دهد و کسب مهارت‌های تحقیق و بیان عقاید شخصی را برای شهروندان در عصر جهانی شدن ضرور می‌داند.

امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که خواه‌ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد. فضای پیرامون ما سرشار از اطلاعات است. کاربرد رسانه‌های چندگانه‌ای چون اینترنت و جذابیت‌های این رسانه‌های جهانی نشانگر اهمیت و جایگاه ویژه آن‌هاست. امروزه بیش از نیم میلیارد نفر (۵۸۰ میلیون نفر) در سراسر جهان به اینترنت دسترسی دارند و استفاده از آن سالانه رشدی معادل ۱۰۰ درصد دارد.

تحقیقات و بررسی‌های کارشناسان در مؤسسه تحقیقاتی Pewresearch centre نشان می‌دهد استفاده زنان از شبکه‌های اجتماعی و گشت و گذار آن‌ها در فضای مجازی اندکی بیش از مردان است. در واقع، زنان به میزان ۷۶ درصد از شبکه‌های اجتماعی و مردان اندکی کمتر، به میزان ۷۲ درصد از پلت‌فرم‌های مختلف اینترنتی استفاده می‌کنند.

لیندا برگسما در مجله آموزش سواد رسانه‌ای می‌نویسد: فضای مجازی در زمره مهم‌ترین عوامل اجتماعی شدن است که بر رفتارهای سلامت امروزه زنان اثر می‌گذارد. بعضی پژوهش‌ها تخمین می‌زنند زنان ۵۰ تا ۸۰ درصد ساعت بیداری‌شان را با چنین رسانه‌هایی می‌گذرانند.

به تغییر در زندگی‌تان به واسطه یک گوشی موبایل نگاه کنید. به فاصله‌ای که بین نسل ما با فرزندانمان وجود دارد قطعاً فکر کرده‌اید. عصر حاضر عصر حاکمیت فناوری‌های نوین ارتباطی است. فناوری‌های نوین ارتباطی مانند انواع دیگر فناوری، بر ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی زندگی انسان اثر می‌گذارند و برای کاربران، فرصت‌ها و تهدیدهایی به دنبال دارند. نقش‌های اجتماعی نیز تحت تأثیر تعامل با فناوری‌های ارتباطی، دستخوش دگرگونی می‌شوند. این تغییر هم در تعریف فرد از نقش‌هایی است که برعهده دارد و هم درباره نقش‌های دیگر افراد. زنان بخش درخور توجه از کاربران

شب‌نیم گرمی
روزنامه‌نگار



تابستان کرونایی، مادران خسته و دانش‌آموزان بی‌برنامه

تبلت شارژ داره؟ حواست هست خانمتون چی می‌گه؟ خدای من! معلمت داره درس می‌ده. تو داری چت می‌کنی؟! چرا گریه می‌کنی؟! جا موندی خب. چرا خوابیدی و وارد کلاس نمی‌شی؟! و....

این جملات و صدها جمله مشابه دیگر با چاشنی حرص خوردن و ناراحتی و پرخاش و گاهی برخورد‌های تند، نمونه بخشی از مرادوه روزمره سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰ میان مادرها و فرزندان دانش‌آموزان بود که گفتند و شنیدند تا سرانجام به پایان رسید. برخی مادرها حتی از این سال تحصیلی با عنوان کابوسی یاد می‌کنند که بی‌صبرانه منتظر پایان آن بودند. بسیاری از آنان چه شاغل چه خانه‌دار پایه‌پای فرزندان خود دوره تحصیلی امسال را مرور کردند و روز معلم را به یکدیگر تبریک گفتند. حالا چند روزی از پایان امتحانات خرداد گذشته است. شاید روزهای نخست، همه ما از آغاز تابستان و پایان درس و مدرسه بچه‌ها، درست مانند کودکی خودمان شادمان بودیم، اما در ادامه مادر معلمی، باز هم با مشکلات جدیدی برخورد کردیم. «سرت روز گوشه بیار بیرون! کور می‌شی! می‌خواهی تا آخر تابستون بشینی گوشه اتاق و چت کنی؟ چرا نمی‌آی تو جمع؟!» و....

پس از گذشت فقط چند روز از پایان امتحانات، این جملات جدید میان مادرها و فرزندان که به دلیل شیوع کرونا برایشان برنامه‌ای تعریف نکرده‌ایم، جایگزین عبارات قبلی شده و دلهره و پریشانی تازه‌ای جای شرایط پیشین را گرفته است. هرچند تابستان سال پیش را هم تا اندازه‌ای با همین مدل گذرانده‌ایم، امسال دیگر کل ریش و قیچی گوشه و تبلت دست بچه‌هاست و خسته از بی‌برنامه‌ی مداوم، خود را به دنیای مجازی سپرده‌اند. بسیاری از خانواده‌هایی که سابق بر این فرزندان خود را از فضای مجازی دور نگاه می‌داشتند و تلاش می‌کردند با برنامه‌های آموزشی و پرورشی مناسب، آینده روشنی برای آن‌ها رقم بزنند، با مدل تحصیل آنلاین، به اجبار با دست خود فرزندان را در دل دنیای مجازی رها کردند. بسیاری سعی کردند با اشتراک فضاهای مورد استفاده خود با بچه‌ها بر کار آن‌ها نظارت داشته باشند که با جایگزین شدن اپلیکیشن‌های خاص دستوری آموزش و پرورش به جای فضاهای مورد استفاده عموم، دستشان از دنیای کودکان و نوجوانان نشان کوتاه شد و نظارت‌ها کم‌رنگ. دانش‌آموزان از این راه با دیگرانی ناشناخته رابطه مجازی دوستانه برقرار و به استفاده از تلفن همراه و تبلت هم عادت کردند.

اکنون برای خانواده‌ها این مهم جای نگرانی دارد که چه گونه عادی‌تر را که در یک سال به وجود آمده است در چند روز می‌شود سر و سامان داد، آن هم در شرایطی که هیچ جایگزین مناسبی برای آن نمی‌توانیم تعریف کنیم. اگر در کلاس‌های اوقات فراغت برخط ثبت‌نامشان کنیم باز هم آن‌ها را به همان راه رفته سوق داده‌ایم و چنانچه این کار را نکنیم، از آموزش‌های اثرگذار و مهم اوقات فراغت بازمی‌مانند و عمر به بطالت خواهند گذراند. از آنجا که بچه‌های این روزگار با روحیات و الزامات دنیای نو رشد یافته‌اند، به گونه‌ای که حتی کتاب را در فضای مجازی می‌خوانند و می‌شنوند، به یقین نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مانند کودکی خودمان با ساخت کار دستی و کارهای ساده‌ای از این دست، مدت زیادی سرگرم بمانند یا روزآمد رشد کنند. بنابراین باید برای گذران تابستانی مفید، تا حل مشکل کرونا به نحوی که سلامتی‌شان هم به خطر نیفتد، چاره‌ای جدی اندیشید تا وقتی فرزندان را با فشار و تهدید و تشویق از پای تبلت و گوشی بلند کردیم، پاسخ مناسبی برای «خب! حالا چه کار کنیم؟» داشته باشیم که او را مدت بیشتری از گوشی و تبلت دور نگه دارد، زیرا سلامتی جسمی و روانی بچه‌های ما با ادامه این رویه با مخاطرات جدی روبه‌رو خواهند شد، همگی دچار اضافه وزن می‌شوند و عادت به تبدیلی حرکتی، مشکلات اسکلتی و جسمی بسیاری برایشان به دنبال دارد. چشم‌هایشان آسیب می‌بیند و اشعه‌های مضر دستگاه‌ها خطرات مهلکی در بر خواهد داشت. از این رو، اگر قرار را بر این بگذاریم که ممکن است یک سال تحصیلی دیگر را مانند یک سال و نیم گذشته پشت سر بگذاریم، باید دست‌کم تابستان برای مادران و دانش‌آموزان فرصتی برای تنفس و تجدید قوا باشد و از سوی دیگر، این درگیری ذهنی و استرس مداوم مادرانی که همپای فرزندان‌شان در تلاش هستند، تا اندازه‌ای کاهش یابد. قطعاً ادامه این روند می‌تواند به افسردگی و خستگی مادران منجر شود. این موضوع به یقین دامان خانواده‌ها را نیز می‌گیرد و جامعه را دچار خمودگی و ناکارآمدی خواهد کرد.



نگاهی به مشکلات جامعه رسانه کشور و نادیده گرفتن حقوق خبرنگاران مترجم دردها

✚ خبر تلخ و تکان دهنده فوت ۲ بانوی جوان خبرنگار در واژگونی اتوبوس بار دیگر افکار عمومی را متوجه کار دشوار خبرنگاری و روزنامه‌نگاری کرد. اگرچه حوادث جاده‌ای که تعداد آن‌ها کم نیست هرسال خسارت‌های جانی و مالی فراوانی به بار می‌آورد، این بار با توجه به شغل، سن و جنس این افراد، عموم جامعه از این حادثه بسیار متأثر شده است، زنان جوانی که تنها برای انجام حرفه خود، در مسیری بی‌بازگشت قدم گذاشتند و روح جمعی جامعه را آزوده‌خاطر کردند. اگرچه کلیت واکنش‌ها به ابراز خشم و ناراحتی چندروزه و ارسال پیام‌های گوناگون تسلیت ختم می‌شود، می‌توان از زاویه‌ای دیگر به شغل البته نادیده‌انگاشته‌شده خبرنگاری و روزنامه‌نگاری پرداخت. فارغ از بحث‌های مالی و حمایت‌نشدن حقوق معنوی مشاغل سخت همچون خبرنگاری، باید به شکاف امروز بین جامعه تحصیل کرده و آکادمیک با عموم مردم نگاهی ویژه داشت و به این اندیشید که خبرنگاران و روزنامه‌نگاران رابطی بین فضای آکادمیک، دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و مسئولان کشور هستند.

✚ علت دوری روشن‌فکران از متن جامعه چیست

خبرنگاری و روزنامه‌نگاری یکی از مشاغل دشواری است که بی‌مهری در آن بسیار است. بخشی از این بی‌التفاتی‌ها ناشی از ماهیت و جنس خبرنگاری و روزنامه‌نگاری است که با هدف نشر خبر و اطلاعات، ناگزیر از گزینش، نقد، ارزیابی و مقایسه است. خبرنگار، مستقل و فارغ از وابستگی جناحی، کنشگری است که اطلاعات مهم را پس از آماده‌سازی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. این خبرنگار است که با حضور در متن جامعه، مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را تشخیص می‌دهد، درباره آن اطلاعات گردآوری می‌کند و با هدف نشر این اطلاعات، در مواقعی به نقد و مقایسه نیز می‌پردازد. از آنجا که مخاطب خبرها و اطلاعات عموم مردم جامعه هستند، این اطلاعات به زبان ساده، روشن و همه‌فهم بیان می‌شود تا بتواند با تعداد بیشتری از مردم جامعه سخن بگوید.

✚ نویسندگانی که با ستون‌نویسی مطرح شده‌اند

معمولاً در ایران در دانشگاه خط فراقی وجود دارد میان نویسندۀ آکادمیک و نویسندۀ ژورنالی، و ناگفته پیداست که دسته اول تقدیر و دسته دوم فاقد وجاهت علمی تلقی می‌شود. این در حالی است که در بخشی از سنت روشن‌فکر و اندیشه‌ورز کشورهای پیشرفته، نویسندگان بزرگ تنها از طریق ستون‌نویسی‌ها و پانویسی‌ها برای روزنامه‌ها و مجلات عمومی به شهرت رسیده‌اند. در گذشته‌های دور، علم و دانش زبان خواص شمرده می‌شد و عموم مردم نباید به آن

آگاهی می‌یافتند و نه اصلاً می‌توانستند. با فروریختن نظام کاستی آموزش و سلسله‌مراتب در دانش‌آموزی و دانش‌جویی، اینک تفاوت زیادی میان شاگرد و معلم و استاد و دانشجو از نظر نحوه دسترسی به اطلاعات وجود ندارد. در نتیجه، دیگر پیچیده و دشوارنویسی نه‌تنها مزیت نیست که می‌تواند چالش اصلی علوم به‌ویژه در ارتباط علوم انسانی به شمار رود. در حقیقت، اگر نوشته‌های آکادمیک به زبان عمومی ترجمه نشود، تنها در قالب رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها و با زبانی تخصصی و فنی نوشته شوند، چه‌گونه می‌توانند باعث تغییر و تحولات اجتماعی شوند؟ خبرنگاری، روزنامه‌نگاری و هرگونه نشر اطلاعات ارزشمند و دست‌اول یک کنش اجتماعی مهم است که هرچه به بیان و عبارت‌های ساده‌تر بیان شود، می‌تواند اثرگذارتر باشد.

توجه به این نکته مهم است که با گسترده‌تر شدن ابزارهای اطلاع‌رسانی و ساده‌ترشدن دریافت و کشف اطلاعات، خبرنگاری و روزنامه‌نگاری مانند بسیاری از مشاغل دیگر اهمیت خود را از دست داده است. خبرنگاری زرد یا تبدیل خبر به یک «کالا» با هدف ایجاد احساسات و هیجان‌های کاذب، برای انتشار -بهتر است بگوییم فروش خبر- مسئله مهمی است که به کاهش جایگاه خبرنگاری انجامیده است. خبرنگاری زرد چیزهایی را به مخاطب القا می‌کند که اگرچه بر آن‌ها نام «خبر» یا «اطلاعات» گذاشته‌اند، در واقع چیزی جز حرف‌ها و باورهای بی‌پایه‌و‌اساس و پیش‌پاافتاده و بی‌ارزش نیستند. برای نمونه، از چهره‌سازی‌های هنری، عکس‌های فاقد ارزش و ارائه نظریات جنجالی و پرسروصدا برای فروش اطلاعات بی‌ارزش می‌توان نام برد.

فارغ از نوع خبری که خبرنگار و روزنامه‌نگار منتشر می‌کند، نقد مناسبات جاری در جامعه نیز از دلایل دیگر بی‌مهری به این شغل است. کسانی که افشای اطلاعات و اخبار موقعیت سیاسی و اقتصادی‌شان به‌خطر می‌افتد مهم‌ترین دشمنان خبرنگاران هستند. در ماه اخیر، شکستن انگشت خبرنگار دیگری نیز خبرساز شده بود که نشان می‌دهد حتی خشونت عریان برای مقابله با افشای برخی اطلاعات از سوی زورمندان که شفافیت و اطلاع‌رسانی را برنمی‌تابند مجاز شمرده می‌شود. این در حالی است که پیگیری وضعیت خبرنگاران به عنوان قربانیان این رخدادها تنها به ایجاد موجی مجازی و ارسال نارضایتی‌های نمادین ختم می‌شود، بدون آنکه پشتیبانی سیاسی و حقوقی از آن‌ها صورت گیرد.

سخن کوتاه آنکه روان جمعی جامعه از رخداد تازه‌ای رنجور و غمگین شده است، اتفاق غم‌انگیزی که این بار دامن خبرنگاران را گرفته است. خبرنگاری و روزنامه‌نگاری مشاغل مهمی هستند که هیچ‌گاه به اندازه قدر و ارزششان مورد مهر و لطف نبوده‌اند. حتی بدتر، با تیغ طعن و نقد ورد، نکوهیده و رنجیده‌خاطر شدند، اما اینکه جامعه به از دست دادن ۲ خبرنگار جوان حساسیت ویژه‌ای نشان داده است، بهترین زمان است تا سپاسگزار بخشی از زحمات‌ها و تلاش‌هایی باشیم که هرگز نه دیده شده‌اند و نه چندان که شاید از آن‌ها قدردانی شده است.



دکتر
محدثه
جزایی

دیرانجمن
علوم سیاسی
شعبه خراسان

نسیم



عکس: سانا زصفانی | شهر آرا

گفت‌وگو با دکتر خدیجه بوذرجمهری دانشیار جغرافیا دانشگاه فردوسی
که به دنبال ثبت یک روز برای زنان روستاست

جغرافیای زندگی را با فراز و نشیب آن در آغوش گرفتم

از دل خانواده‌ای سنتی و مذهبی که از هنر شعر بافی امرار معاش می‌کردند پا به دنیای علم می‌گذارد. از زمانی که به یاد می‌آورد، خانواده‌اش حامی تحصیل و پیشرفت او در عرصه علم بوده‌اند. به همین دلیل، بین اقوام و خویشاوندان، او اولین دختری است که وارد دبیرستان می‌شود. خیلی زود مسیر علاقه‌اش به سفر و گشت‌وگذار را در دنیای جغرافیا پیدا کرد و با هر قدمی که در این رشته برمی‌داشت، از تصمیم خود بیشتر مطمئن می‌شد. دکتر خدیجه بوذرجمهری دانشیار گروه آموزشی جغرافیا در دانشکده علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد است. با اینکه هر بار به دلایلی میان مقاطع تحصیلی او وقفه افتاده، چیزی از عشق و فعالیت کاری او کم نکرده است. تاکنون در مباحث علمی زیادی به عنوان تنها زن در آن جمع حضور داشته است و یکی از مقالات بسیارش جزو منابع درسی دانشگاه‌هاست. بوذرجمهری، همسر دکتر محمد جعفر یاحقی، عضو شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی و نویسنده است. او معتقد است این ازدواج بر رشد مدارج علمی هر دوی آن‌ها مؤثر بوده است.



سعدیه آل ابراهیم

دفترهایم برایم نقاشی می‌کرد و ذوق و علاقه به خرج می‌داد. در گذشته، معمول بود دختر تا ۱۶ کلاس درس بخواند و به دخترانی که دبیرستان می‌رفتند دید خوبی نداشتند. به همین دلیل، آن زمان بعضی‌ها با ما قطع رابطه کردند زیرا من که دختر خانواده بودم در مقطع دبیرستان درس می‌خواندم.

از انتخاب جغرافیا پشیمان نیستم

بوذرجمهری رشته تجربی را انتخاب می‌کند به این دلیل که بتواند در علوم زمین، شیمی یا... درس بخواند، اما از یک طرف به سفر و گشت‌وگذار علاقه داشت و در این زمینه کنجکاوی می‌کرد تا اینکه راهنمایی درست یکی از معلمان او را به رشته جغرافی سوق داد. «متوجه شدم روحیه‌ام با رشته جغرافی جور درمی‌آید. حالا هم پشیمان نیستم. آن موقع به این فکر می‌کردم که معلم جغرافی شوم و دوست داشتم مسیر تحصیل را برای بچه‌های دیگر فامیل هم هموار کنم.»

او رشته جغرافی را در دانشگاه فردوسی مشهد قبول می‌شود و درس می‌خواند. بوذرجمهری مصداق بارز یک دانشجوی علاقه‌مند به تحصیل و رشته خود بود و این موضوع را بارها به استادان خود اثبات کرده بود. اکنون هر وقت می‌خواهد دانشجویانش را تشویق کند که خوب کار کنند و بگویند سرانجام کسی پیدا می‌شود که کار آن‌ها را ببیند، این خاطرات را تعریف می‌کند. «ترم اول دانشگاه یک درس نیم‌واحدی داشتیم که نقشه‌کشی و تفسیر آن بود. من آن قدر علاقه‌مند بودم که کاری به نمره و میزان واحد درسی نداشتیم. تنها می‌خواستم کارم را به بهترین شکل انجام بدهم. ریشه تاریخی موضوع را پیدا کردم و نقشه آن را هم کشیدم. به یاد دارم که آن زمان برخی افراد به تازگی تایپ را یاد گرفته بودند. خواهر من هم یکی از آن‌ها بود. از او خواستم مطالبی را که تحقیق کرده‌ام تایپ کند و بعد، به همراه نقشه، آن‌ها را صحتی کردم. استاد بعد از مشاهده تحقیق، از من به عنوان دانشجویی علاقه‌مند و مستعد یاد کرد.»

در اولین برخورد با بانو بوذرجمهری، انسانی سرزنده، خوش صحبت و باحوصله را می‌بینم که شاید مطالعات زیاد چشم‌هایش را ضعیف کرده و شماره عینکش را بالا برده باشد، اما هنوز مشتاق یادگیری علم است و از اینکه آتش کم‌سوی انگیزه تحصیل و کار را در دانشجویی شعله‌ور کند، لذت می‌برد. در خانه‌شان بیش از هر چیز، تعداد و چینش کتاب‌ها به چشم می‌آید، قفسه‌های چوبی بزرگی که مانند یک درخت کتاب‌های زیادی را روی شاخه‌های خود نگه داشته‌اند. بخشی از کتاب‌ها مربوط به بوذرجمهری و بقیه به همسرش تعلق دارد. او سالیان متمادی مطالعه کرده است. تاکنون ۲ دوره عضو هیئت مدیره مجمع صنفی اعضای هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد بوده و علاوه بر این، نماینده گروه جغرافیا در استانداری در بخش تقسیمات کشوری بوده است. هنوز هم در این حوزه فعالیت می‌کند و برای نام‌گذاری روستاها و شهرها با هم‌فکری و مشورت می‌کنند.

مهاجرت از یزد به مشهد

نام خانوادگی سخت و خاصی دارد و خیلی‌ها دفعات اول نام او را به اشتباه صدا می‌زنند. «بوذرجمهر» در واقع همان «بزرگمهر» است. با اینکه حکیمی به نام بوذرجمهر در قاین زندگی می‌کرده است، اصالتش به شهر یزد می‌رسد. فرزند اول خانواده است و بعد از او، ۵ خواهر و برادر دیگر هم به جمع‌شان اضافه می‌شوند. پدر و مادرش به حرفه شعر بافی مشغول می‌شوند و دستمال یزدی تولید می‌کنند. آن‌ها مدتی بعد از ازدواج، برای زندگی به مشهد مهاجرت می‌کنند. پدر بوذرجمهری مشغول فعالیت در شهربانی و مادرش خانه‌دار می‌شود.

او به عنوان فرزند اول خانواده نقش‌های سنتی را انجام می‌داد. یعنی هم در کارهای خانه و هم در رتق و فتق امور بچه‌های دیگر کمک می‌کرد. با اینکه خانواده‌ای مذهبی و سنتی داشت، آن‌ها به تحصیل فرزندان‌شان بسیار اهمیت می‌دادند. «پدرم دوست نداشت مادر حوزه شعر بافی مشغول به کار شویم. می‌خواست پیشرفت کنیم. حاشیه

➤ درخواست برای کار، تیری در تاریکی

از ابتدای تحصیل، فکرش را هم نمی کرد شاید کوچک ترین کارهای او برای آینده اش اثرگذار باشد. تنها کاری را انجام می داد که فکر می کرد درست است. هنوز در دوره کارشناسی درس می خواند، اما می خواست زودتر شاغل شود. به همین دلیل، تیری در تاریکی انداخت و به دانشگاهی که در آن تحصیل می کرد درخواست کار داد: «به رئیس دانشکده نامه نوشتم که اگر می شود، در دانشگاه مشغول به کار شوم. خیلی دلپره داشتم که نکند به من کار ندهند و بگویند برو هر زمان درست تمام شد بعد سراغ کار بیا، اما رئیس دانشکده مان در آن زمان همان استادی بود که من برای تحقیق درس نیمه واحدی او خیلی تلاش کرده بودم. برایم عجیب بود که او کارم را به خاطر داشت و آن روز با روی خوش به من گفت که دانشگاه به افرادی مانند شما نیاز دارد.»

رئیس وقت دانشکده چندین کار مختلف را به او معرفی می کند و در نهایت قرار بر این می شود که بانوبوز رجمهری در اداره آموزش مشغول به کار شود. ۲ سالی مشغول این کار است و همان ایام به دلیل انقلاب فرهنگی، دانشگاه ها تعطیل می شود. «این اتفاق در سال ۵۸ رخ داد، اما با وجود تعطیلی دانشگاه ها، اعلام کرده بودند که باید کارمندان سر کار بروند. همه بیکار بودیم. یک نفر بافتنی می بافت. دیگری کتاب می خواند و ... به من خیلی سخت می گذشت به این دلیل که اهل بیکاری نبودم. بعد از مدتی، اعلام کردند افراد می توانند از دانشگاه برای تدریس به مدارس بروند. من هم اعلام آمادگی کردم.» بانوبوز رجمهری در دبیرستان فروغ مشهد معلمی می کرد و جغرافی و دانش اجتماعی به بچه ها درس می داد. در همان مدت کم هم میزان علاقه اش را درک می کند و می فهمد که بیشتر مایل به تدریس است تا انجام کاری اداری. همین موضوع موجب می شود از دانشگاه بخواهد با انتقالی او برای کار در مدرسه موافقت کنند که این موافقت صورت نمی گیرد. «دانشگاه از من خواست به عنوان کارشناس آزمایشگاه جغرافیا مشغول به کار شوم. آنجا شروع به کار کردم، اما دانشگاه هنوز مقطع کارشناسی ارشد رشته ای را که می خواستم نداشت. به همین دلیل، وقعه ای طولانی میان دوره لیسانس و فوق لیسانس به وجود آمد. دانشگاه شهید بهشتی قبول شدم و به مشهد انتقالی گرفتم.»

➤ پایان نامه به ازدواج با دکتر یاحقی منجر شد

به گفته خودش، در آن سال ها دانشجویان مقطع کارشناسی هم باید پایان نامه می دادند. او برای موضوع پایان نامه اش نیازمند منبع بود و قرار بود یکی از استادان به او کمک کند. آن روز استاد مورد نظر حضور ندارد و دکتر محمدجعفر یاحقی منابع را به او معرفی می کند. همین موضوع مقدمه آشنایی و ازدواج آن ها می شود. «زمانی که همسر من منابع را به من معرفی کرد، دانشجوی دکتری بود. این موضوع تمام شد و انگار قسمت بود مستأجر خانه ما به خانه دیگری برود و همسایه همسر بشود. همسایه مان هم به آقای یاحقی آشنایی داده بود که من هم در دانشگاه فردوسی درس می خوانم. همسر من مدتی دورادور در باره من تحقیق می کند و بعد از آن، درخواست ازدواج را در دانشگاه مطرح کرد. بعد از آن، همه چیز سنتی پیش رفت و ازدواج کردیم.»

➤ فوت فرزند اول در نوجوانی

شاید گاهی یادمان برود زندگی مانند یک شعبده باز می تواند هر لحظه ما را با اتفاقات تلخ و شیرینی غافل گیر کند. سال ۷۰ بود که در یک سانحه رانندگی، دختر سیزده ساله شان را از دست دادند. فرزند اولشان بود. قلم شیرینی هم داشت. انگار هنر نویسندگی را از پدر به ارث برده بود و هر روز خاطرات روزانه اش را می نوشت: «وقتی دخترم را از دست دادم، روزگار خیلی سختی را پشت سر گذاشتم. تا مدت ها نمی توانستم لباس مشکی را از تن در بیاورم یا اگر ناخودآگاه خنده ای بر لبانم می نشست، احساس می کردم در حال جنایت هستم. دور هر عروسی، مهمانی و مسافرتی خط قرمز کشیده بودم حتی قید ادامه تحصیل را زده بودم. سرانجام توکل، دلداری همسر و حضور ۳ فرزند دیگرم دوباره به من انگیزه زندگی داد و در این راه، تحصیل و کار خیلی به من کمک کرد.»

➤ با مدرک کارشناسی عضو هیئت علمی بودم

بانوبوز رجمهری مدرک کارشناسی ارشد را از مشهد و دکتری را از تهران دریافت می کند اما او زمانی که با مدرک لیسانس در دانشگاه کار می کرد، عضو هیئت علمی دانشکده بود به دلیل سابقه کار و تلاشی که داشت. «طی دوره ای که در دانشگاه مشغول به فعالیت بودم، کتاب «جغرافیای فردوس» را تألیف کردم و مقالات زیادی نوشتم که برایم امتیاز داشت.» او همیشه می خواست کتاب مستقی بنویسد، اما درگیری همایش هایی که از سال ۹۰ تصمیم می گیرد آن ها را برپا کند، این اجازه را نمی دهد. بانوبوز رجمهری از همان سال به بعد بدون استثنای همایش هایی را با محوریت های مختلف در حوزه زنان روستایی (زنان روستایی و محیط زیست، گردشگری، کارآفرینی و ...) برگزار کرد و تنها سال گذشته به دلیل بحران کرونا این مراسم برپا نشد. او دبیر علمی این همایش ها بود. ضمن اینکه به همت او، هسته پژوهشی مطالعات روستایی در سال ۹۰ در دانشگاه فردوسی تشکیل شد.

➤ تأثیرهای اجتماعی برایم در اولویت است

با اینکه تاکنون حدود ۶۰ مقاله نوشته، کتابچه ها و مجموعه مقالاتی نیز تهیه کرده است، به طور کلی تأثیر اجتماعی برای او مهم تر است. «در همایش های علمی پژوهشی زیادی شرکت کرده ام. اکنون نیز مشغول کار روی طرحی درباره

راهبردهای جذب گردشگری توس هستم که دانشگاه فردوسی و مرکز پژوهش های شورای اسلامی هم همراه هستند، اما هر زمان وقتی داشته باشم به کارهای نصفه و نیمه ام برسم، باز به کار دانشجویان، پایان نامه و دفاع آن ها بیشتر اهمیت می دهم.»

بانوبوز رجمهری در دوره کارشناسی، مربی آموزش یار می شود که بعد از دوره دکتری، این سمت به استادیاری ارتقا می یابد. در حال حاضر نیز دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد است. او معتقد است در سال های اخیر استقبال دانشجویان از رشته جغرافی کمتر شده است که البته دلیل مشخصی نیز دارد. «طبق برنامه قبلی، دانشجویان در دوره کارشناسی گرایش داشتند، اما در برنامه جدید تنها باید جغرافیا بخوانند. اعلام شده است که در ترم پایانی می توانند گرایش خود را انتخاب کنند، اما باز هم روی مدرک آن ها قید نمی شود، در صورتی که ۶ گرایش در حوزه جغرافیا داریم. متأسفانه ریزنی هایی که در این باره انجام داده ایم، تاکنون پاسخی نداشته است.»

➤ اقیانوس جغرافیا

معتقد است جغرافیا تقریباً میان رشته ای است و اقیانوسی به عمق یک سانتی متر. یعنی دانشجویان رشته جغرافی در حوزه های مختلف درس می خوانند و اطلاعاتی از آن دارند. به همین دلیل زمینه کار و اشتغال برای این افراد زیاد است. «تا آنجایی که بضاعت علمی جغرافی دان اجازه بدهد، برای رفع مشکلات و شناخت، می تواند از آن استفاده کند و مابقی آن را می تواند از دانش های دیگر کمک بگیرد. مانند اینکه من تخصصم در حوزه روستایی است و اگر در موردی کم و کسر وجود داشته باشد، از دانش های دیگر کمک می گیرم.»

او در سال ۹۷ به عنوان مدیر گروه برتر جغرافیا انتخاب می شود. همین طور مقاله ای که در جشنواره زنان برجسته سازمان متروپلیتن ارائه ارائه می دهد حائز رتبه برتر می شود. «۲ دوره عضو انجمن علمی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی بودم و بعد از آن تصمیم گرفتم شعبه ای در دانشگاه فردوسی مشهد فعال کنم. این انجمن ۲ شعبه بیشتر ندارد و یکی از آن ها در مشهد است که سرپرست آن هستم. این شعبه آثار مثبت زیادی داشت و به هسته فعالی در زمینه دانشگاه تبدیل شد.»

➤ به دنبال روز ملی زنان روستایی در تقویم

بعد از سال ها مطالعه در حوزه جغرافیای روستایی، معتقد است زنان روستایی آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند. به گفته دکتر بانوبوز رجمهری، روز جهانی زنان روستایی داریم، اما روز ملی نداریم. تاکنون نامه نگاری و رایزنی هایی کرده است تا روزی به این نام در تقویم ملی مان ثبت شود. هرچند هنوز به نتیجه نرسیده است، باز هم پیگیری می کند.

➤ مقاله ای که منبع درسی شد

بانوبوز رجمهری تا به حال مقالات زیادی با موضوعاتی مانند زنان روستایی و تأثیر آن ها در توسعه، آب و ... نوشته است، اما پراچاع ترین مقاله اش مربوط به «دانش بومی» است. این مقاله سال ۸۴ منتشر شد. در آن زمان مطلبی جدید و بحث برانگیزی بود و تأثیر بسیاری به همراه داشت. «بعضی مخالف و برخی دیگر موافق این موضوعی بودند که مطرح کردم. با این حال، این مقاله جزویکی از منابع درسی فنون دانش بومی در کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری قرار گرفت. ضمن اینکه موجب شد دانش بومی و نقش آن در توسعه روستایی مطرح شود.»

شاید از نظر بعضی از ما زندگی ۲ چهره علمی و سرشناس در کنار یکدیگر در درسهایی هم داشته باشد زیرا هردو درگیری های علمی زیادی دارند، اما بانوبوز رجمهری و همسرش از زوج های فرهیخته ای به شمار می روند که خیلی به رشد یکدیگر کمک می کنند. «سال ۷۸ در مقطع دکتری تحصیل می کردم و همان زمان، مدت ۳ سال از طرف دانشگاه سواس لندن از همسر دعوت شده بود در حوزه ادبیات تدریس کند. همسر در انگلیس و من با بچه ها مشهد بودم، اما هر هفته باید برای کلاس های دوره دکتری به دانشگاه تربیت مدرس تهران می رفتم. با قطار رفت و آمد می کردم و طوری برنامه ریزی می کردم که هم زمان با رسیدن به تهران، سر کلاس می رفتم و عصر به مشهد برمی گشتم. فقط گاهی که روز بعد هم کلاس داشتم، یک شب در خوابگاه می ماندم.»

➤ حمایت دوجانبه خانواده ها موثر بود

علاوه بر اینکه خودش مشغول تحصیل بود، موظف بود ۴ واحد هم در دانشگاه فردوسی تدریس کند و همه این ها با رسیدگی به امور خانه و بچه ها کار را سخت تر می کرد. «مادر همسر و خواهراتم در رسیدگی به بچه ها کمک می کردند، اما به طور کلی فکر می کنم وظیفه اصلی هر زن مربوط به مادری و خانواده اش است. در آن مدت، وقتی مشهد نبودم، همیشه تماس می گرفتم و جویای احوال بچه ها می شدم. قبل از اینکه به تهران بروم نیز غذای بچه ها را آماده می کردم. همسر من را در این تصمیم که ادامه تحصیل بدهم یا آن چند سال در کنار هم در انگلیس زندگی کنیم آزاد گذاشته بود و حمایت می کرد. جدا از این، اوایل مقالاتم را برای ویرایش به او می سپردم. از طرف دیگر، من هم شرایط را طوری فراهم می کردم که او به کارها و پژوهش هایش برسد.»

شهربانو

۲شنبه

۷ تیر ۱۴۰۰

۱۷ دیالده ۱۴۴۲ شماره ۳۴۴۰

(۵)



عکس تزیینی است

خانواده ایرانی علاقه‌مند به تعدد فرزند است اگر مشکلاتش حل شود

الزام گذار از اضطراب اجتماعی به امید اجتماعی



دکتر
مehتاب
علی نژاد
جامعه‌شناس

برای پیاده‌روی در جمع زنانی بودم که در پارک بانوان ورزش می‌کردند. یکی از دغدغه‌های اصلی‌شان فرزندآوری بود وقتی می‌گفتند: همسرم بچه می‌خواهد اما من می‌ترسم مغلوب شرایط مالی شویم. هنوز مستأجریم و من هم خانه دارم. حقوق همسرم به‌زحمت تانیمه ماه می‌رسد. بیشتر مواقع قرض بالا می‌آوریم. من بین تعهد نسبت به فرزندآوری برای تأمین نیروی انسانی جامعه، فرزندآوری برای امتداد نسل و نیز نگرانی از نداشتن شرایط مالی مناسب برای تأمین رفاه اولیه و نسبی، به کدام یک باید ارجحیت بدهم؟ هر خانواده باید به چند فرزند فکر کند که در آینده نزدیک، جامعه دچار کمبود نیروی انسانی نشود؟ استیصال در تصمیم‌گیری، تمایل به داشتن فرزند یا ترس از فرزندآوری، نتیجه فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که طی دهه اخیر والدین جوان ایرانی به‌ویژه مادران تجربه کرده‌اند. اضطراب‌های اجتماعی که اغلب ریشه‌های اقتصادی دارند و ناشی از کاهش امید اجتماعی و امید به آینده هستند.

فرزندآوری نیازمند آموزش است

انتخاب فرزندآوری به عوامل فردی و اجتماعی بستگی دارد. درباره شرایط فردی، اینکه به‌عنوان والدین برای فرزندآوری آماده باشید، به‌ویژه از لحاظ آموزش دیدن برای پرورش صحیح فرزند که یک مهارت آموختنی است. همان‌طور که

هنگامه

خانواده دوستی در فرهنگ ایرانی

درباره این مسئله که چند فرزند بهتر است و جامعه به چه میزان نیروی انسانی نیاز دارد یا آیا تک‌فرزندان در زندگی احساس تنهایی می‌کنند نمی‌توان جدا از در نظر گرفتن شرایط اجتماعی اندیشید. مطابق پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه جمعیت‌شناسی در همه استان‌های کشور، احتمال فرزندآوری یک زن از فرزند اول به فرزند دوم ۹۸ درصد است. این یعنی ۹۸ درصد احتمال دوفرزدی و تمایل به داشتن بیش از یک فرزند در زنان ایرانی وجود دارد. فرهنگ ایرانی نیز فرهنگی خانواده‌دوست است. نتیجه پژوهش و امر فرهنگی اهمیت خانواده در جامعه ایرانی مبین آن است که برای فرزندآوری مسئله تنها تمایل مادران نیست بلکه شرایط اقتصادی مساعد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مادر جامعه ایرانی با مشکل جمعیت مواجه نیستیم. آنچه امروزه مسئله‌ساز است به‌چالش کشیده شدن انتخاب فرزندآوری بیشتر به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب و نبود امنیت شغلی است. اکنون جامعه ایران از نظر جمعیتی در دوران طلایی خود قرار دارد زیرا هم باروری دارد و هم پنجره جمعیتی آن باز است.

اشتغال نجات‌بخش جمعیت است

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلایل استیصال والدین به‌ویژه مادران در انتخاب فرزندآوری نامساعد بودن شرایط اقتصادی در نتیجه نبود توجه مسئولان به جمعیت در سن فعالیت است. این سطح از اضطراب اجتماعی و این رویه دوری گزیدن از فرزندآوری یا استیصال در تصمیم‌گیری والدین به‌ویژه مادران متوجه تصمیم‌سازی‌های ناکارآمد سیاست‌گذاران اجتماعی و مدیران اجرایی در زمینه ایجاد رفاه حداقلی و تأمین امنیت شغلی و بهبود شرایط اقتصادی جامعه است. حتی در حالت رشد صفر درصدی، یک دوره توقف چهل ساله لازم است تا جامعه از توقف رشد جمعیت به رشد منفی جمعیت برسد. پس دغدغه کنونی سیاست‌گذاران باید چاره‌جویی برای حل مسائل اقتصادی باشد. پس آنچه هم‌اکنون باید سبب نگرانی باشد استیصال در انتخاب فرزندآوری به دلیل نداشتن شرایط اقتصادی در مراحل گوناگون فرزندآوری از باروری تا تولد و دوره رشد از نوزادی تا بزرگسالی و دستیابی به شغل و درآمد برای حفظ بقا و رفاه نسبی است. با کاهش اضطراب اجتماعی و افزایش امید اجتماعی با ایجاد رفاه حداقلی، زمینه فرزندآوری نیز فراهم خواهد آمد و استیصال مادران در تصمیم‌سازی برای انتخاب از بین خواهد رفت.

دوره طلایی جمعیت را از دست ندهیم

دوره طلایی جمعیتی چه دوره‌ای است؟ دوره‌ای که هر جامعه فقط یک مرتبه آن را تجربه می‌کند و از لحاظ علم جمعیت‌شناسی به دوران «پنجره باز» شناخته می‌شود. معنای پنجره باز چیست؟ هنگامی که ۷۰ درصد جمعیت یک کشور بین پانزده تا شصت و پنج سالگی یعنی سن فعالیت و تنها ۳۰ درصد جمعیت غیرفعال و در سنین کودکی و نوجوانی و سالمندی که فعالیت و درآمدزایی ندارند قرار داشته باشند، به اصطلاح گفته می‌شود پنجره جمعیتی باز است. یعنی یک پنجره و یک موهبت اقتصادی برای یک جامعه باز شده است. کشورهایی نظیر چین و ژاپن در آسیا از دوران طلایی باز بودن پنجره استفاده و با کارآفرینی و اشتغال‌زایی برای جمعیت جوان در سن فعالیت، امید اجتماعی را تقویت کردند. جامعه ایران از سال ۱۳۸۵ وارد دوران پنجره باز شده است. از منظر جمعیت‌شناسی، بهترین جامعه جامعه‌ای است که دوسوم جمعیت آن در سن فعالیت باشند، یعنی شرایط فعلی جامعه ایران. با این حال، از منظر جامعه‌شناسی، زمانی این پنجره باز بهترین جامعه را رقم می‌زند که سیاست‌گذاران و مدیران تمهیدات لازم برای کارآفرینی و تأمین امنیت شغلی این جمعیت را اندیشیده باشند و از ظرفیت آن استفاده کنند.

خودم عامل خوشبختی یا بدبختی‌ام هستم



نکتم جاوید
کارشناس ارشد
روانشناسی عمومی

بدون گرفتن آمار رسمی می‌توانیم تخمین بزنیم که همگی همین‌طور هستیم. همه ما خود را معصوم و بی‌گناه و قربانی ظلم دیگران می‌دانیم و به اتفاق در تلاش برای تغییر رفتار اعضای خانواده، همسر، فرزند، همکار و شهروندان شهرمان هستیم. «دیگران» باید تغییر کنند. «بقیه» باید مسئولیت‌پذیر شوند. «آن‌ها» باید خودشان را اصلاح کنند. تقریباً همه زنان و مردانی که برای مشاوره به سراغ روان‌شناس می‌روند قصد دارند روش اصلاح اخلاق فرد دیگری را یاد بگیرند. همه آن‌ها از والدین، همسر و اطرافیان‌شان گله می‌کنند. انگار خودشان مانند یک نوزاد بی‌تقصیر و همچون یک عروسک بدون اراده و هیچ کاره‌اند. دیگران باید جور دیگری باشند تا ما احساس خوشبختی و خوشحالی کنیم! آن‌ها نمی‌دانند تنها کسی که می‌توانیم کنترلش کنیم خودمان هستیم. اگر رابطه ناموفقی داریم، باید فکر کنیم من چه طور می‌توانم رابطه را بهبود ببخشم، من چه نقشی در این ماجرا دارم و چه گونه می‌توانم به خودم کمک کنم احساس خوشحالی داشته باشم. این‌ها بخشی از جملات تئوری انتخاب است و جایگاه مهمی در روان‌شناسی دارد. ویلیام گلاسر، نظریه‌پرداز این تئوری، به شدت معتقد است همه چیز از «انتخاب»‌های ما شروع می‌شود و اگر در باتلاق مشکلات گیر افتاده‌ایم، خودمان مقصریم.

ویلیام گلسر بر مبنای ۲ بعد بیرونی و درونی رفتارهایمان با کنترل درونی موافق‌تر است: «ممکن است پدر، مادر یا معلمی باشید که می‌خواهد کودک را وادار کند بهتر درس بخواند. شاید هم رئیسی باشید که زیردست خود را مجبور می‌کند کاری را انجام بدهد که از نظر او بی‌ارزش است. تا وقتی که معتقدیم می‌توانیم دیگران را کنترل کنیم یا دیگران ما را کنترل کنند، احساس بدبختی خاموش نخواهد شد.»

مشکلات ما با دیگران از جایی آغاز شد که تصور کردیم می‌توانیم آدم‌های دیگر را آن‌هم بر اساس تمایل خود تغییر بدهیم. شروع کردیم به کنترل دیگران و مدام رفتارهای نادرست آن‌ها را تذکر دادیم تا تغییر کنند و در مقابل، نه تنها دیگران به نظرمان بهتر نشدند بلکه ما نیز انرژی و توان خود را از دست دادیم و حالا احساس خستگی و افسردگی می‌کنیم.

این مشکل در زن‌وشوهرها بیشتر دیده می‌شود زیرا هنوز تصور سنتی ما این است که می‌توانیم شریک زندگی‌مان را بر اساس میل و اراده خود عوض کنیم. فرزند نوجوان من باید آن‌طور که من می‌خواهم تفریح کند و درس بخواند، دختر یا پسر من باید بر اساس نظر من ازدواج کند تا مطمئن باشم موفق می‌شود. این‌ها رفتارهای تخریب‌کننده‌ای هستند که باعث می‌شوند عامل شکست‌ها و بدبختی‌هایتان را دیگران بدانید و خودتان را یک قربانی بی‌گناه. نظریه انتخاب مخالف سنت کهنه و نخ‌نمای «من صلاح تو را می‌دانم» است. حقیقت این است که من جز خودم قادر به تغییر هیچ کس نیستم، آن‌هم در شرايطی که برایش تلاش کنم. باید باور کنید که خودتان همه اعمال از جمله احساس بدبختی را انتخاب می‌کنید. دیگران نه می‌توانند شما را خوشبخت کنند نه عامل بدبختی‌تان باشند.

این فرصت برای ذکر همه نکته‌های این نظریه کافی نیست. پس توصیه می‌کنیم کتاب «تئوری انتخاب» ویلیام گلسر را مطالعه کنید که متوجه نقش انتخاب‌های خود در زندگی‌تان شوید.



تئوری انتخاب

• نویسنده: ویلیام گلسر

شهربانو

۲۳ شنبه

۷ تیر ۱۴۰۰

۱۷ دی‌المنه ۱۴۲۲ شماره ۴۴۰

(۷)

با نامم گلوبی تازه کن

شعر در پیچه‌ای است که زنان می‌گشایند رو به تنهایی هزاران ساله خود، رو به غربت شمعدانی‌ها در سایه آفتاب. انگار می‌خواهند غمی قدیمی و خاک‌خورده را از گوشه پستوی خاطرات بردارند و فریاد بزنند.

شهره شجیعی متولد ۱۳۵۹ است و از نوجوانی سرایش شعر را آغاز کرده است، شاعری دقیق و نکته‌بین که در نقد شعر هم با دانش و آگاهی سخن می‌گوید. او دانش‌آموخته مهندسی کشاورزی از دانشگاه فردوسی مشهد است و شعر را در دوران دانشجویی بسیار جدی‌تر دنبال کرده است. در سال ۱۳۸۴ از سوی دبیرخانه دائمی چاپ آثار ادبی دانشجویان، شعرهایش برگزیده شد و در مجموعه مستقلی با عنوان «تصویر برفک است» با مقدمه عنایت سمیعی به چاپ رسید. شعرهای این مجموعه در قالب سپید و با زبانی شفاف و تکیه بر عاطفه و ایماژهای شاعرانه در زمان خودش نامزد کتاب سال و جشنواره شعر فجر شد و در بین شاعران و شعردوستان جایگاه خوبی یافت. شهره شجیعی داوری جشنواره شعر فجر و برگزیده شدن در جشنواره شعر رضوی و دفاع مقدس را در کارنامه ادبی خود دارد و این سال‌ها حضوری مستمر در حوزه ادبیات داشته است. این شاعر هم‌اکنون با توجه به رخوت حوزه نشر شعر، رغبتی به چاپ آثار جدیدش ندارد و بیشتر ترجیح می‌دهد در فضای مجازی به شعر و نقد آثار بپردازد.

آه زمان‌گذشت

ولی جهان هنوز از عطر تو گیج است
و دلوایسی بزرگی ست کوچه
وقتی پروانه‌ها به سمت تو هجوم
می‌آورند
آسمان هم می‌خواهد بیفتد روی
پیراهنت
که ماه کاملی تو
شیار گونه‌ام دریاست
به لرزه می‌افتم
وقتی که پرچمت را بلند می‌کنی
روح در سینه‌ام جانمی‌گیرد
و قلبم کش می‌آید
لابه‌لای استخوان‌هایم معرکه‌ای
به‌پاست
از میان دیوارها دستی بالا می‌آید
و مشتی برگ زرد را روی سرم
می‌پاشد
عزیزم دستت را مثل ابری تکان بده
و با نامم گلوبی تازه کن
نامم را که می‌بری از شیار لبت
شبنمی می‌چکد

عشق آن‌طور که من می‌بینم

آبشاری قرمز است
که از دهان کوه بیرون می‌ریزد
با این دیوانه
که روی بلندترین قله می‌رقصد
از دره گرسنه‌ای که دهان باز کرده
حرف نزن
صدای جوییدن پلک‌هایم را
با دندان مورچه‌ها می‌شنوم
وقتی که تو در غاری عمیق
نشسته‌ای
و حرف نمی‌زنی
اگر دندان‌هایم یکی‌یکی بیفتند
اگر موهایم یک‌شبه سفید شوند
یا چهره‌ام ناگهان صدساله شود
باز تو را در میان کلمات تاریک
می‌پایم
و قلبم زودتر از من به تو
خواهد رسید

وام کم‌بهره ۵۰ میلیونی برای زنان سرپرست خانوار

حبیب‌ا... مسعودی فرید، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، گفت: امسال مستمری زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد افزایش پیدا کرده است. مستمری یک خانواده زن سرپرست تک‌نفره به ۳۵۰ هزار تومان و مستمری یک خانواده زن سرپرست پنج‌نفره به یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان در ماه رسیده است. در بحث اشتغال نیز وام‌های کم‌بهره به مبلغ ۵۰ میلیون تومان با کارمزد ۴ درصد به خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش بهزیستی اعطا می‌شود.



پاسخ به پرسش‌های حقوقی



زهره شوشتری
کارشناس حقوق

+ در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ حسابداری را کامل و بدون نقص ۴ سال به صورت تجربی یاد گرفتیم و ۴ سال است همه امور حسابداری شرکت را انجام می‌دهم. رسماً حسابدار مجموعه هستم و بیمه‌ام کارمند دفتری رد می‌شود. مدتی است درخواست کردم که بیمه‌ام به عنوان حسابدار رد شود ولی می‌گویند چون مدرک

کارشناسی حسابداری ندارم نمی‌شود. از مؤسسات آزاد مدرک دارم. آیا حقیقتاً این مدارک نامعتبر است و حتماً باید دانشگاه رفت تا بیمه حسابداری گرفت؟

لیست ارسالی از جانب کارفرماها برای تأمین اجتماعی با هر عنوانی می‌تواند باشد و این موضوع به درجه مدرک تحصیلی یا محل دریافت مدرک وابستگی ندارد زیرا تأمین اجتماعی ملاک را همان لیست ارائه شده از سوی کارفرما در نظر می‌گیرد. بنابراین در سؤال ارسالی، مدرک ارتباطی به حوزه تخصص و نوع بیمه ندارد.

+ همسر من ۹۲ به جرم سرقت متهم شد. یک شب بازداشت بود. وقتی دادگاه رفتند، ابتدا حکم برپزندولی بعد از اعتراض، دوباره تیرئه شد. می‌خواهم بدانم این مسئله سوءپیشینه محسوب می‌شود؟

با توجه به اینکه برای اعمال سوءپیشینه باید حکم قطعی را در نظر گرفت و در فرض سؤال صدور حکم برائت و قطعیت آن عنوان شده است، بنابراین سوءپیشینه لحاظ نخواهد شد.

+ خواهرم حدود ۵ سال است فوت کرده است. بنده همه هزینه بیمارستان و فوت همه مراسم را خودم پرداختم. شوهرش وضع مالی خوبی نداشت. یک واحد ساختمان به نام خواهرم طبق انحصار وراثت، ۵۰ درصد بوده. بنده شکایتی بابت دریافت در شورای حل اختلاف

کردم. پس از دادگاه، رأی بدوی صادر شده است. آیا می‌توانم اعتراض کنم؟

در همه آرای که از سوی مراجع قضایی صادر می‌شوند به قابلیت اعتراض در مهلت زمانی مشخص اشاره می‌شود. اگر رأی دادگاه بدوی به نفع شما صادر نشده است می‌توانید در مهلت تجدیدنظر به آن اعتراض کنید.

+ آیا زوج می‌تواند با داشتن حکم عدم تمکین، عدم اشتغال زوجه را درخواست کند و آیا دادگاه قبول می‌کند؟

مطابق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافعی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. درباره پرسش مطرح شده حکم عدم تمکین ارتباطی به عدم اشتغال زوجه ندارد و باید جداگانه در خصوص منع اشتغال زوجه دادخواست داد. اضافه می‌شود در صورتی که دادگاه به عدم اشتغال زوجه حکم دهد ولی زوجه هم چنان بعد از صدور حکم بدون اجازه به کار و حرفه خود ادامه دهد، این موضوع عدم تمکین محسوب می‌شود که البته در فرض سؤال، حکم عدم تمکین به دلیل دیگری اخذ شده است. سپس زوج می‌خواهد منع اشتغال زوجه را بخواهد که عنوان شد این ۲ در این فرض ارتباطی به هم ندارند.

شهربانو

شنبه
۷ تیر ۱۴۰۰
۱۷ دی‌ماه ۱۴۴۲ شماره ۳۴۲۰



آفاق

ریحانه صادقی

مترجم



دعوت از زنان برای حضور در صنعت

+ قرن‌ها از عمر این باور نادرست می‌گذرد که در صنعت و تولید جایی برای زنان وجود ندارد. به باور بسیاری، بخش صنعت حوزه‌ای سنتی و کهنه‌گراست که سوگیری‌ها در آن هنوز به قوت خود باقی است و به‌ویژه در رده‌های بالای مدیریتی، به زنان اجازه ورود به بدنه خود را نمی‌دهد.

امروزه، بسیاری از صاحبان صنایع نیز مانند سایر حوزه‌ها با تفکری روبه‌جلو تلاش می‌کنند عرصه را برای حضور زنان فراهم آورند. این تغییر تنها مختص کشورهای توسعه‌یافته نیست. در کشورهای در حال توسعه نیز شرایط در حال بهبود است.

در تاریخ ۲۴ ژوئن امسال و به مناسبت روز جهانی «زنان در حوزه مهندسی»، شرکت تتراپاک مالزی با انتشار بیانیه‌ای از زنان دعوت کرد به صنعت تولید غذا بپیوندند. تتراپاک یکی از شرکت‌های پیشرو در صنعت فراوری و بسته‌بندی خوراک در سطح جهانی و یکی از بزرگ‌ترین تأمین‌کنندگان بسته‌بندی برای شیر، آب‌میوه در جهان است که به بیش از ۱۷۰ کشور خدمات‌رسانی می‌کند.

بنابر گزارش اجلاس اقتصاد جهانی، زنان تنها یک‌سوم مشاغل موجود در بخش تولید را دارا هستند و سهم آن‌ها در سطح اجرایی ارشد تنها ۲۱ درصد است. تتراپاک مالزی در بیانیه خود اعلام کرد با توجه به اینکه برای ایجاد تغییر و افزایش نوآوری در صنعت بسته‌بندی خوراک به طیف وسیعی از مهارت‌ها (از مهندسی مکانیک و اتوماسیون تا میکروبیولوژی و صنایع غذایی) نیاز است، این شرکت قصد دارد فرصتی برای پیوستن زنان بیشتر به صنعت تولید غذا و نوشیدنی فراهم آورد تا با آوردن تنوع جنسیتی به این حوزه، شرایط مناسبی برای به وجود آمدن تغییرات اساسی ایجاد کرده باشد.

مایکل وو، مدیرعامل کمپانی تتراپاک در مالزی، سنگاپور، فیلیپین و اندونزی، می‌گوید: سیستم‌های غذایی جهانی ما با چالش‌های بسیاری روبه‌رو هستند از جمله تغییرات آب‌وهوایی، امنیت غذا، بهداشت و توزیع. با همه‌گیری جهانی کووید ۱۹، مشکلات وخیم زیست‌محیطی و اهمیت امنیت و در دسترس بودن غذا بیش از پیش برجسته شدند. ما برای رسیدگی به این چالش‌های روزافزون به همه‌قوای خود و یک بسیج همگانی نیاز داریم.

او هم‌چنین افزود: موفقیت یک کمپانی تنها متکی به شایستگی کارکنانش نیست، بلکه تنوع افکار نیز اهمیت دارد. ما در تتراپاک، زنان بسیاری را در نقش‌های مدیریتی داریم، از بخش اتوماسیون و دیجیتال گرفته تا مواد و بسته‌بندی. با این حال، می‌توانیم بهتر از این هم عمل کنیم. صنعت تولید غذا و نوشیدنی به دلیل باورهای غلط، هیچ‌وقت یک انتخاب شغلی جذاب برای زنان نبوده است. با این همه، اکنون فرصتی مغتنم برای همه ما به وجود آمده است. حالا ما شانس این را داریم که حضور زنان را در این حوزه افزایش دهیم و زنان نوآور فرصت این‌را یافته‌اند که در شکل دادن به جهان و حفاظت از زنجیره‌های تأمین غذای ما برای نسل‌ها آینده سهیم باشند.



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیر مسئول
سید هادی فیاضی
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی